

ده سال پیکار خلق عمان

ده سال پیکار در روز ۹ ژوئن ۱۹۶۵ خلق طوفان است بر روی
باسلحه و آغار جنگ توپخانه ای علیه یکی از عقب افتاد ترین سیستم های
اجتماعی جهان رژیم سلطان تیمور و با بان خارجیش خوف مرک
در دل ارتجاع منطقه و امپریالیسم انداختن و پیکار پیکار در پیروزی
کردید

در این ده سال خلق عمان در لیرا و میانه ای راسخ جنگ
سلحطانه بود های بر علیه ارتجاع اخلاقی ، رژیم شاه و امپریالیسم های
انگلیسی و آمریکائی در امداد ، طی این مبارزه بود کفرهای آزادی
بخت بود های وجود آمد آگاهی بود های اعتماد و خلق بیشتر شد
کرد روزی از این اندیشه بیشتر شد اعتمادی گرفت که پیکاری را که آنها
گناه نکرده اند ، جنگی عادلانه است .

در این ده سال نیروهای خلق هر روز صبحانه جدیدی بر سر شفا
وارر نمودند و موفق شدند بخشهای بزرگی از کشور آزاد نمایند .
آزادی بخش جنوبی عمان یعنی طوفان بزرگی علیه رژیم است نشاند
عمان بود که یکا کاهیمی در مبارزه علیه دشمن موجود آورد .
با پیکار این حکومت مکرر اذیت و شکنجه را متحمل گردید در سال ۱۹۶۷
پشتیمان محلی در مبارزه خلق عمان بدید آمد . به جهت نیست که
امپریالیسم و ارتجاع متعلقه بخصوص رژیم شاه این پشتیمان نهیت
ظفر را مورد حمله و هجوم قرار میدهند .
از همان آغاز جنبش امپریالیسمها بترا کافاتا ند که از شرکت
کنند تا بتوانند منطقه نفوذ خود را در عمان و ضایع خود را در
خلیج همچنان حفظ نمایند .
امپریالیسم انگلستان در ۲۳ ژوئن ۱۹۷۰ با کودتای
ظاهر فریبنا بر رباری غلامان وقت خود سلطان تیمور را برانداخت
غلامی دیگر یعنی فرزند سلطان تیمور سلطان قابوس را که در دست
مختص نظامی انگلستان خنثی شده بود روی کار آورد . دست تحکیم
نفوذ خود از طریق ایجاد اتحاد شیخ نشین ها بر .
قابوس مانند پدر خود تمام حقوق طبیعی و ضایع زیر زمینی
عمان را در اختیار قبایل امپریالیسمها نهاد ، با استثمار و ظلم بینظیر
نسبت به توده های مردم امداد داد . در اوائل سال ۱۹۷۰
قریب هشتصد مبارز انقلابی را بفرستاد و شکستها کاهید ایشان
ند هانفر از زندان آنها تحت شکنجه بود و زخمی قرار داد . قابوس
خائن در سینه و حشیا بقترین تروریست حکومت پانسی در عمان زد فاست .
ارتش او را از اجیران پاکستانی ، اردنی و بلوچ تشکیل میشد و بنوشته
تا بمزمالی به ۱۴ هزار نفر را بفرستد . همراهها ارتش شاه نیروی
هوای انگلستان و کک آمریکائی مشغول کشتار مبارزین خلق بود های
مرد جوانند ام مناطق آزاد شده است .

با وجود این چنین تروریستها کای موج مبارزه خلق همچنان
اد امداد بود ، خشم خلق در مقابل ترسها استعمار و استثمار هر روز بزرگ
تر و راسختر میشود . در مناطقی آزاد شده ، خلق بر سر نوشت خود
حاکم است . تحت رهبری جبهه توده های برای آزادی عمان مردم است به
ساختمان اجتماعی و اقتصادی از بد فاست . فرهنگ بهید است واحد
شرایط زندگی توده های مردم رو به بهبودی است . مد ارس و بیمار
ستانهای ساخته شده اند . کما روزی در حال توسعه و تکامل است
تحت رهبری جبهه توده های برای آزادی عمان زمین بین و هفتادان
تقسیم میگردد ، توده های هفتادان از کله بهید ریخ برخوردار میشوند
در مبارزه با بیسواد ی بین و هفتادان موفقیت بسیار شایانی بد دست
آمد فاست . زنان از حقوق مساوی برخوردارند ، با تشویق زنان به
شرکت در مبارزه و زنده نگه داشتن جنبه سیاسی ، ضربات بزرگی بر قبوه عقب
ماندگی وارد آمده است . بطور خلاصه در مناطقی آزاد شده بهبود
توده های مردم را جبهه توده های برای آزادی عمان ۳ استحقاق یافته
و ایلهای ساختمان نوین جامعیمی ریزی شده است .

موفقیتهای بزرگ خلق در طوفان انقلاب مبارزه در سر سر عمان و
ضعف و زبونی نیروهای پوتالی عمان ، امپریالیسمهای انگلیس و آمریکا
نی را بر آن داشت که در اجرای کمترین نیکسون ارتش تان باند آن
سلح عمان را بجای مبارزین عمانی بپندارند .
در ۲۰ ماه ۱۹۷۳ در ۱۵ سال پیکار قرار داد بین قابوس و
شاهنشینی بر اجاز آورد نیروهای ارتش شاه عمان ، ارتش شاه چند
هزار سرباز و سواحل طوفان یاد کرد .

ارتش شاه که بخاطر حفظ ضایع اربابان خود و تامین جزیان
نفته و بیات سیاسی نظامی بعنوان گراندر این منطقه وارد کارزار شد
پشویه اربابان امپریالیسم تحت نام صلح و حفظ امنیت و آرامش -
آنچنان صلح و امنیتی گفتند و پیروز در ایران بر قرار ساختند استیسا
دفاع از صلح آنچنان گامهای با حشیا بنفرتین و جنایتکارا نفرین
متد قادر و متنامد نبال کرد ، دست به کشتار زنان و کودکان و قتل عام
مردم ، سوزاندن مزارع و آبادیها با استفاده از بمبهای آتشنا با زمین
بردن چشمه ها و گانا لهای آبیرویره . نیروهای نظامی خود را
در عمان به هیچ وجه سرباز افزایش داد .
ایا آنچنانکه پیکار در اندام صلح و هیولای اهر درت آمریکای
در مقابل خلقهای هند و چین برانورد آمد و چون بفر کافتی ب رهیم
شدست رژیم شاه این نوکوز خرید آمریکائی نبود اخوان شکیب و
تنگ و نفرت بارمغان خواهد آورد .
جنگی که شاه در عمان بر امداخته است جنگی استغیر عادلانه
شاه خواهد خلق عمان را که برای برانداختن نظام کهنه بر در اردی
قبود ای و کسب آزادی برخاسته است . بقیه در صفحه ۲

گوشه‌هایی از وابستگی اقتصادی ایران

رژیم شاه از صنایع ایران زیاد صحبت میکند که گویا باید بازارهای خارجی و آفریقا و حتی جنوب شرقی آسیا را تسخیر کند . اما آنچه که صنایع ایران نامیده میشود چیزی جز شعب صنایع کشورهای امپریالیستی در ایران نیست . البته آنها هم بصورت مونتاز و بختی که کله آنها در دست شرکتهای خارجی باقی بماند .

کشور ایران سرمایه‌گانی برای ایجاد صنایع جدید اقتصاد در تمام زمینه‌ها در اختیار دارد ولی رژیم شاه به بهانه آموختن تکنیک و پیرت بطور مستقیم شرکتهای خارجی را بصرفه‌گانه اورد در ایران فراموش نمود و برای تشریح آنها بصرفه‌گانه اورد تمام امتیازات ممکن را برای آنها فراهم میآورد . این مطلب را نصفا شایرانی و شفا رجیان پنهان میدارند . لیلیتال فاشیست مصرف کبیر سابق آلمان غربی در ایران صرفها اعتراف میکند که صادرات و امکانات ایران در وجود آوردن محیط مساعد برای سرمایه‌گانه اورد ، در اشتغال بازار بسیار سود بخش بود که شفا زنت بسیاری مواد اولیه - صاحبان صنایع آلمان بالاخره در یافتند که بجز تراست محل تولید است خود را از آلمان خارج و یک کشور با اثنا خوب قابل اعتماد (یعنی ایران) منتقل نمایند . (تکیه از ما است - توقان)

با افزایش قیمت سوخت با انتقال محل تولید اصحابان صنایع اهمیت بیشتری پیدا کرد . در ایران سوخت ارزان است ، برق بهای ناچیزی در اختیار سرمایه‌گانه اورد خارجی که اشتغال می‌شود . در ستمزد کارگر و سطح بسیار نازکی قرار دارد ، آنها از اعانت کمرگ برخوردارند ، برای فروشی کالاهای آنها در ایران ، بعنوان حمایت از محصولات داخلی به اجناس وارداتی مشابه اینها تسهیلاتی میکنند و چون آنها در موقع انحصاری قرار میگیرند اجناس خود را گامزفوب همبیا شند به قیمت های انحصاری کزانی آید کنند ؛ تمام بخش دولتی اقتصاد ، نفت ، برق ، مواد اولیه ، آب و حمل و نقل در خدمت آنها است خلاصه آنکه هر بود و مصرف و تولید و تلفات را برانده تا سرمایه‌های خارجی سود های افسانه ای به جیب ببرند و ظرفیت تکنوهای سرمایه های خود را استهلک سازند . آقا با یاد اندید سود خالصی که در آنجا بدست میآورد چه راست ؟

۵۰ درصد ، صریح میگویم ۵۰ درصد . این اعتراف نمایند هنر نسوی تولید محصولات استیل در ایران است . هکرا انگلیسی و امریکائی و سود مند را اینجا ، ۱۰ درصد از سودی که در انگلستان بصرفه بیشتر است . (لویوند در میلماتیک : ۱۹۷۰) . بر این اساس ایران به پشت سرمایه اورد اران خارجی است !

سود های حاصل نیز بصورت ارز از ایران خارج میگردد و معمولاً صرف سرمایه‌گانه اوردی بخاطر توسعه محصولات تولید میشود . سرمایه‌های خارجی طی الاصول با سرمایه‌های بزرگ داخلی از اقل از خصوصیات داخلی برخوردارند ، شرکتهای خارجی با سرمایه‌گانه اندکی که با ایران صادر میکنند ، با در آمیختن با سرمایه‌های بزرگ داخلی و گرفتن امتیازات کلان از آنها تولید را سازمان میدهند و ظرفیت تکنوهای توده ای را کابی می‌اندوزند . بقیه است با چنین امتیازاتی سرمایه‌های خارجی بصورت ایران سرمایه‌گانه اورد . مایه انان با او ارقامی در دست نیست برای آنکه بتواند در قضا اظهار نظر کرد ولی بجز متوان گفت کمتر محصول صنعتی است که تولید آن با دست سرمایه‌های خارجی صورت نگردد ؛ توپیل ، کامیون ، مواد پلاستیک ، لاص برای روشنائی ، لاستیک اتومبیل ، محصولات ارقمی ، کود شیمیائی ، بکش ، ترابور ، کبریت ، سیگار ، بیخال ، رادینو ، تلویزیون ، تلفن مواد خام معدنی ، شیشه ، کواکول و و و .

موسسات تولید صنعتی هه صنایع مونتاز اند . قطعاً ساخته ، نیم ساخته مواد اولیه آنها از خارج وارد میشود و در آنجا مراحل نهائی خود را می‌پیمایند ، بصورت محصول در میآید . کرد ترین صنایع بدین ترتیب وابسته بصورت کالا های واسط است و چونانچه شرکتهای خارجی از تحویل این کالا ها خود داری روزند یا وضعی پیش آید که تحویل این کالا ها ممکن نگیرد . موسسات تولیدی ینا گریز از تولید خود را کاهش میدهند یا بکنی آنرا برای مدتی تعطیل کنند . این وابستگی صنایع ایران با امپریالیسم از زمان تودر حیران کوئی در کشورهای صنعتی بخوبی چشمپوش خود برضی از کارخانجات تهران همانا کمترین زیر نظر طرفت و کار راند ان و کارگران آنها نیز هفتها پنج روز و آنهم روزی چهارالی پنج ساعت کار میکنند (۱۰۰۰) تهیه مواد اولیه یک ری شکتک شد فاست که نمیتوانیم خوراگ کارخانجات امین گیم در نتیجه تقلیل ظرفیت کارخانه ، کار راند ان و کارگران با وضع دشواری رو بهر هستند .

بطور متوسط متولرا اظهار عقیده کرد که صنایع کشور ما (؟) - وان بسیار بدی را میگذرانند که طرل آن مختلف و متفاوت است . قسمتی از طرل مذکور بصورت بفرگانی قیمت های بین المللی است که در اختیار ما خارج است . قسمتی دیگر معلول کمبود مواد اولیه در بازارهای مذکور میباشد . (تهران اکونومیست شماره ۱۰۴۷ ، مورخ ۱۵ تیر ۱۳۰۳)

حتی بدی های نظیر اقتصادیات کارگری و کشورهای صنعتی بر روی صنایع کشور ما تا شیری بیکه اورد . در کارخانجات اتومبیل سازی ایران - ناسیونال کفریب ۷۵ درصد اتومبیل های سواری مصرفی کشور تولید میکنند در سال گذشته تفرسان جاری باشکلا خراوانی رو بهر بود . این مشکلات متاسفانه در رجه اول معلول اقتصادیات انگلستان بود که بالنتیجه کمبانی فروشند ه (یعنی هیلمن) نمیتوانست معیوق قطعات اتومبیل مذکور را تحویل دهد . (همان مجله شماره ۱۰۴۶ ، مورخ ۸ تیر ۱۳۰۳)

اقتصادی که بصورت ۵۰۰ نفر کارگر کارخانه اتومبیل سازی کرایسلر انگلستان آغاز شد فاست ممکن است قرار داد مربوطه بعد در قطعات بیکه این نوع اتومبیل را برای ۱۶۰۰۰ اتومبیل ایران (بیگان و هیلمن اوجر) بخطر اندازد (۱۰۰۰)
در قرارداد مذکور هه ایران در وقتهای منفعله برای ۱۵۰۰۰ اتومبیل هیلمن هانتتر و ۱۰۰۰۰ و ۱۰۰۰۰ جز پیش بینی کردید ه است . (کیهان ۲۲ / ۲ / ۵۴)

مستشاران آمریکائی - با ستاد اران رژیم شاه

کشتن درون از افسران آمریکائی در تهران ، دوشن از هزاران مستشار نظامی و غیر نظامی آمریکائی که بر با ست رئیس سابق سازمان سیا ، هلمز بر شر با نهائی حیاتی زندگی اقتصادی سیاسی ، نظامی و فرهنگی فرمانروایی دارند ، دستگام تبلیغاتی شاه آاد مکس را بر آن داشت که بطور تهور سر مفراد و فغان بر امد اورد تا آنرا محکوم کند و بر مرک و واقسر آمریکائی ند بغوزاری سرود هد . انسان و هوسی دستگام تبلیغاتی شاه آاد مکس را میشد کثرتین سمر محکوم میکند ، د هانتر از تعبیه باز بماند . رژیم شاهنشویه تهورا اکنون گانه وسيله حفظ قدرت سیاسی و سلطنت در دمان پهلوی تشخیر ه ا فاست و بای پروائی شکتی آنرا ند نهال میکند . میگویند که بکانه برای آنکه در گذشته‌ها با اقا ما شنوا استعماری خود شاید هتوز نتوانست در کار فریبکاری موفقیتهایی بدست آورد اما اکنون سالها است که تبلیغات

و انقلابا شاهانه نمیتوانند تاثیر درتوده‌های مردم با باقی گذارند بنا بر این یگانها هیکه برای ی باقی ممانند توسل بقهر و ترور است . ترور چیست ؟ ترور شیوه تولید ارهاب و وحشت است ، بظنق نیل به پارهای هند قهای سیاسی بصرفه عقیبوش و شجوه کشتار است بخاطر حفظ قدرت سیاسی . این شیوه در کشورهایان اعمال میشود که در آنها ارتجاع سپاه قدرت سیاسی را در دست دارد و آنرا بصورتی حفظ خود و حامیان بیکنا ثباتگاری بندد ، در کشورهای کثرتین و انقلابی آنچنان قدرتمندند که بوجود بیت سیاسی ارتجاع راهبر لحنه در مخاطره می افتکنند . چه کسی میتواند ادا کند کثرتین ترور - شیوه‌های ترور - مره شافتیست ، رژیم شاه بدین اعمال شیوه ترور نمیتواند حمایت خود را امدد هد . رژیم هر روز بقیه در صفحه ۲

پیروز باد جبهه توده‌های برای آزادی عمان!

کوشه هائی از ... بقیه از صفحه ۱

این اولین بندی است که بر سر پای گرد خردنامه ایران گذارند. استعداست. نخستین خوانی است که باید از آن گذشت برای آنکه نماینده را بکارند. اخت. خوان و حمل و نقل کالا های واسط به ایران است. در اینجا نیز بر اثر مسائلی ...

از ۱۰۴۹ ... تسلط شرکت های خارجی بر حمل و نقل ایران حتی تجارت خارجی ایران نیز در مجموع مشکلاتی مواجه میسازد ...

چنین است گوشه هائی از وابستگی اقتصاد کشور ما به احوال خارجی که حتی طبیعتاً در زمین های کشاورزی و صنایع ...

روزم شاه پیرزکود تالی ۲۸ مرداد اقتصاد کشور ما باید ستایشها سپرد ...

مستشاران ... مرد هینکه امراتحت تعقیب قرار میدهد ...

فروزد بروند خانواد ... رضائی و اشهاد ...

حوادث تاریخی و واقعات روزمره مردان است مشتی نویسنده ...

د هسال بیکار ... بقیه از صفحه ۱ بخاطر حفظ منافع ربا بان ...

اما آنچه که واقعتاً جنگ تجاواز کارانه ارتش شاهانیه مملکت معان نشان میدهد ...

ایمان بسیار بود مقابل روحیه واراد ...

منطقه خلیج یکی از راه های تربیت مناطق اقتصاد جهانی است ...

تحریر تاریخ ... بقیه از صفحه ۴

این هنوز تمام نیست ... مرحله بعدی ...

فکریم روزنامه مزدور ملت ایران را از مسئولیت می برد ...

تحریر تاریخ

داغ تنگ را از چهره شاه نهیو داید

سرمداران رژیم در این امید میسوزند که حزب رستاخیز جانی بگیرد و سرنوشتی بهتر از سیستم وحشی پیدا کند. آنها می پندارند که حالا علاوه بر جماعتی که از زمان انقلاب رستاخیز کمر فرود میاید تا همراهد نبال ضوابط حکومتی و حقوقی و عدالت و انضباط حزبی میزافزایند در ست آنها خواهد بود تا وحدت ملی را تا این گنجد آنها می پندارند که با عنوان کردن وحدت ملی گنگها مظهر آن حزب رستاخیز است و خواهند توانست برواقعیت طبقاتی جامعه ما، آنها واقعیتی آنچنان چشمگیر سرورند که از آنها می پندارند با عنوان کردن وحدت ملی طیفه کارگروای فریبند و او را واحد ارند که هر چه بیشتر با استثمار سرمایه های بزرگ و اخلی و خاوی تن بزدهد؟ هر چه بیشتر کار کند و خوب کار کند؟

سیستم و وحشی تر از سیستم حزب واحد بدل کردن و انقلاب اساسی؟ نظام پانزدهمی و انقلاب پانزدهمی را بهر صورت باید در دین از رژیم براد و نخواهد کرد. روزنامه کیهان مینویسد: ایران محکوم به بزرگی و پیشرفت است. آری. اما این پیشرفت از روی نعره نظام شاهنشاهی میگردد. آنچه در حال حاضر محکوم است رژیم استبداد و سرسپردگی شاه است. محکومیت او در ماهیت شاهان رستاخیز است. در ماهیت نظام پانزدهمی، در ماهیت انقلابات شاهانه است. پیشرفت ایران فقط زمانی آغاز میگردد که شاهان و والای خود بخوار و کسانیکه او را بر گردن خلعهای ایران نشانید مانند ازای در آیند. روزنامه کیهان بر آنست که حزب رستاخیز سرمداران رستاخیز است. ایران استه رستاخیزی که در بزمنی است در روزه واقعات است و بر رستاخیزی که تا کنون مراحل مختلفی را پشت سر گذارده است و با این روزنامه معتقد بود و احساس میزند تمام آن حوادثی را که جلوی رستاخیز واقعی خلقهای ایران را گرفته و رستاخیز خلقی ایران را منجمد و خیال خود با معاصران اساسی حزب رستاخیز شامرا بر اوضاع رستاخیز ملت پایبندگی آری میکند.

این روزها از اینها انقلاب مشروطیت تلاشی بود برای رستاخیز ملت ایران نتیجه گیری کرد که قانون اساسی محصول این رستاخیز است و همین علت یکی از معاصیل تغییر ناپذیر بر خیز است. انقلاب مشروطیت برای آن صورت گرفت که خلق را از استبداد سلطنتی باز سلطنت فرزند و معاصیه نیرومند روستا و انگیزه پیر هاند. اما خلقی که انقلاب کرد از اثرات انقلاب برخوردار نگردد و نیروهای استبداد از تجانی و استعماری که بقصد وین قانون اساسی پدید آمدند در قانون اساسی بخواستهای خلقی ایران و خلقی نگردد و آنها را بصورت مسخ شد و آورند. این قانون اساسی برای مرد آزاد و پدید می آید و استبداد آزاد و آزادی که به بنده خلقی میاید آن در وجود آمده و نیروی آن بیفزاید، استقلال بدست نیاید. این قانون اساسی از همان آغاز رانطباق با بنده استبداد بود و رستاخیز مرد پرا میبندد کهید. حالا در پانزدهمی تمام معصیت رستاخیز از گشت هفتاد سال پس از تغییرات عظیمی که در ست خلقهای رستاخیز سالها بود و پیوسته میسوزند و میخوانند قانون اساسی را بعنوان اصل اساسی آنها تغییر ناپذیر بر خلقهای ایران بقبولند و روزنامه مزه روزنیز بر این د بیوانگی باین عنوان که قانون اساسی محصول گوشه بسوی رستاخیز خیز بوده است صحت میکند.

اما همین قانون اساسی که در زمان خود با خواستهای مردم میخوانند و امروز بطریق اولی نمیخوانند آنچنان بادست و دود ما بهلوی مسخ و تخریب شد که از آن شخصی و لاشعاری برجای نماند ما ست؛ هیچیک از جوانان قانون اساسی نیستند که در ستبر این تبهکاران قرار گرفته باشد و همین لاشه است که میخوانند آنرا محصول رستاخیز مشروطیت ایران بنمایانند.

بنابراین روزنامه مزه و رستاخیز رستاخیزان نمایند که کوشش دیگر برای رستاخیز خلقی بود. درست توجه کنید. رستاخیزان که با دست ستبر میاید - لیسانگستان به منظور جلوگیری از قیام خلقی ایران تحصیل شد و رستاخیز واقعی خلقهای ایران را که در حزب کونیست ایران، در نهضت جنگل و جمهوری شوروی کیلان، در نهضت خیابانی و در قیام میان تجمع یافته بود سرکوب کرد، بیست سال تمام آزادی و استقلال را از مردم ایران بود نمایند و رستاخیز خلقی قلمداد میشود. از آنهم بدتر، کودتای ۲۸ مرداد نیز مرحله ای از روند طولانی رستاخیز ملت ایران بشمار میاید که گویا بادست

« ادغام اقتصادی » یک شیوه نو استعماری

کشورهای روستایی و سرمایه بانک بین المللی سرمایه گداری یک میلیارد رول است که چهار صد میلیون رول یعنی ۴۰ درصد از سرمایه آن متعلق به شوروی است. روشن است که با داشتن ۴۰ درصد از سهام شوروی میتواند و حق دارد سرمایه گداری در کشورها را تحت نظارت خود در آورد. در واقع هم هرگونه سرمایه گداری مشروط بر موافقت با این شوروی است که برای آن شعبی با تولید آن کالا هائی با آن اعتبار و موا میکند که در انطباق با تقسیم بین المللی کار یعنی در انطباق با مطامع آرشد انفعالی تر گرانه وی است. بیشتر اعتبارات این بانک برای رشد نیروهای مولد در خود اتحاد شوروی است. این بانک طی ۳ سال اول موجود خود ۶۰۰ میلیون رول اعتبار در دستگد و سوم آن با اتحاد شوروی است و تقریباً ۷۰ درصد بمانند بانک بین المللی ملکان ما را به کشورهای دیگر واگد ارشد است.

ادغام اقتصادی با اتحاد شوروی امکان میدهد که کارخانجات طبیعی و انسانی کشورهای روستایی و شرقی برای رشد نیروهای مولد در شوروی استفاده کند. کشورهای شوروی برای گردن شراکت خود به مواد اولیه و مواد خام اتحاد شوروی نیازمندند و نیاز آنها سال به سال افزایش مییابد. برای تامین روز افزون این مواد شوروی از این کشور چین میطلبد که اتحاد شوروی برای استخراج آنها و همچنین برای سایر سرمایه گداری بگری که محصولات آنها مورد نیاز کشورهای شوروی است در شماره ۲۱ / ۳ / ۵ بخود این فاکتورهای و انسانی کشورهای روستایی و شرقی را توسط اتحاد شوروی پایبندگی آری میکند و میسوزد. از آنجائی که استخراج مواد خام شعبی میاید که ران سرمایه گداری مادری و مالی پرازندتی طولانی تر خواهد بود و در نتیجه باید که برای تولید سرمایه گداری که کشور سخت سستگین است از آنجائی که استخراج مواد خام از فواصل دور است و از اعماق زمین باید در نبال شود باینست که کشور سازمان شوروی تعاون اقتصادی و از آنجمله جمهوری موزونیک آلفا را استخراج میاید بد در سرسیری شرکت میسوزند. این شرکت ضمانت اضافی برای تامین رازند شعوا خام وجود میاورد. صحنه دیگری برای سیاست سرمایه گداری مشترک است بین کشورهای سازمان شوروی برای گرد کردن و هم برای تولید بل شعبی است. اکنون اتحاد شوروی از طریق اوله گاز (منطقه اورال شمالی) هر سال بیش از ۳ میلیارد متر مکعب گاز را به جمهوری موزونیک آلفا تحویل میدهد و این مقدار آ چند برابر خواهد شد بهر گداری ۱۹۸۰ و بعد از حرارتی ۲۰ میلیون نفرال قبهوی خواهد رسید. برای آنکه این افزایش تامین شود جمهوری موزونیک آلفا هر امبا مجارستان و بلغارستان هر یک گداری و لیسانگستان در ساختن اوله گاز ۲۷۰ کیلومتری گاز از آن بپورگ تا سرحد اقتریب گداری میسوزد شرکت ارند. هر یک از این کشورها ساختن قطعه معینی را بعهده گرفتارند. همچنین در اوستا بلیم روستایی که بر پایه ن خائون زوال ناپذیر و پیشگداری خانه سلولن بنامشود کشورهای شوروی تعاون اقتصادی مشترک سرمایه گداری میسوزند. در جنوب اورال مشترک با استخراج پنبه کوهی بقید رصفحه ۳

بهر روز از نو خواسته شوروی برای حفظ سلطه خود بر کشورهای روستایی و شرقی برنامه ۳ ادغام (انتگراسیون) اقتصادی را به پیش کشید. برنامه ای بفرخنگ که باید همه کشورهای عضو سازمان شوروی تعاون اقتصادی را در یک واحد اقتصادی گرد آورد و آنها را بیکدیگر وابسته و همرا بخورد و وابسته سازد و وابسته بخود و همزمان به مواد خام و اولیه تحکیم با نرزی تجارت و غیره. ادغام اقتصادی پایه ای و بستگی همگانی کشورهای اتحاد شوروی با یسادی حاکمیت است که در حد و آنها است. در واقع ر سازمان شوروی تعاون اقتصادی اتحاد شوروی تسلط دارد و با توسل بطرق مختلف به رشد اقتصادی کشورهای عضو این سازمان آنچستی را میدهد که آن شعب تولیدی را تولید آن کالا هائیر تحویل میکند که خود خواهان آنست. ماد مقاله گد شت توضیح در ادیم کشور شوروی چگونه از چه طریق این کشورها را زیر سلطه خود در میاورد و اینجای یکی در نمونه کوشش کند و شیوه عمل بهر روز از شوروی است اشاره میکنیم.

مجارستان در آری معادن آلومینیوم (بوکسیت) بسیار رفنی است اما بنا بر مقررات شوروی تعاون اقتصادی حقوقی داشتن کارخانه آلومینیوم گد آری در صنایع آلومینیوم مجارستان فلز مورد نیاز خود را از این طریق بدست میاورد که سنگ معدن (بوکسیت) را استخراج میکند و سپس آنرا برای تولید بل بیشتر آلومینیوم به هزاران کیلومتر دورتر کشور خود به اتحاد شوروی میسوزد. در آنجا کارخانه فلز گد آری شوروی سنگ معدن بیشتر آلومینیوم بدست میگیرد و در ویا روستایی همین راه طولانی به مجارستان باز میگرد و تا نایزند به پای صنایع آلومینیوم شوروی بر طرف مجارستان مجبور است هر چند به بدیل سنگ معدن بیشتر را بهر از. در مقاله گد شت گفتیم که اتحاد شوروی با هر دست داشتن مواد خام مواد اولیه (نفت گاز فلزات عمیق و غیره) شراکت حیاتی این کشورها را در دست خود گرفتارند. در اینجا ما در خام متعلق به مجارستان است. معدن لک رسایه تصحیفات شوروی تعاون اقتصادی وضع طوری گشت که اتحاد شوروی برای تولید شتر آلومینیوم تخصص یافته اند. با از هم مجارستان برای صنایع آلومینیوم خود وابسته شوروی است. برای سرسیر وضع همین عنوان است. میکند در عوض کارخانه ز و سب آهن لیسانگستان با سنگ آهن شوروی کار یکی از بزرگترین مجتمع کین کوش با برق شوروی بحرکتد ر میاید. صنایع بلغارستان بر اساس مواد اولیه شوروی میسوزد. مجتمع عظیم شعبی جمهوری موزونیک آلفا با نفت و گاز شوروی کار میکند. شوروی برای بدست یافتن بهد فهای سار سار خود یک رشته سازمانهای کوناگون بین المللی مافوق ملی ایجاد کرد ما ستانند سازمان بین المللی برای همکاری در زمینه فلز گد آری سازمان انرژی صلح سازمان همکاری بین المللی در زمینه حمل و نقل مرکز بین المللی برای اطلاعات علمی و فنی گاز آنها بعنوان اهرم هائی برای کنترل شاخه های اساسی اقتصاد مانند انرژی برق فلز گد آری حمل و نقل استفاده میکند. بانک بین المللی همکاری اقتصادی و بانک بین المللی سرمایه گداری در روزه این سازمانها است و از هائی است در روستا شوروی برای استخراج خلقهای

روابط نیمه فئودالی در روستای ایران

در شماره ۱ ماهنامه توقان در مقاله ای تحت عنوان « باز هم در باره مسئله دهقانی » چنین آمد ما ست و آنجا که از نشریات سازمانهای سیاسی ایران بر میاید (۱۰۰) همه این سازمانها بر آنند که کلی رضم اصلاحات را در کوششهای ناشی از آن روابط تولید روستای ایران همچنان نیمه فئودالی است. آیا در اینجا حقیقی بیان شده یا ادعائی بی اساسی پایه است؟ برای روشن شدن موضوع بهتر است به نشریات سازمانهای سیاسی مراجعه کنیم.

۱- نشریه « باختر امروز » ۳۳ رگان سازمانهای جنبه ملی ایران در رخواست شماره ۱۳۴۹ در مقاله ای تحت عنوان مالکیت زمین چنین مینویسد: نظامی که قبل از این دوران بطور مطلق بر جامعه ایران حاکم بود و امروز نیز در کنار سرمایه داری وجود دارد نظام زمین داری یا ارباب - رعیتی است (۱۰۰)

شما که خود بزرگترین زمین دار ایران است ادعا دارد که اصلاحات ررضی این نظام ارباب رعیتی را بشی از میان برداشته و اکنون در هفتاد ایران صاحب زمین بود و رفا میند کین میکند. این دروغ محض است. اولاً اصلاحات ررضی تنها در قسمتی از روستاهای ایران انجام گرفته و هنوز روابط ارباب رعیتی بر بقیه روستاها حاکم است. (تکیه از ما است - توقان)

همین واقعیت در سال بعد یعنی در ۱۳۵۱ در برنامه جنبه ملی ایران خارج از کشور (آمریکا و اروپا و خاور میانه) انعکاس یافته است. در ماه ۸ برنامه چنین میخوانیم: « تا گد آری برایگان زمین بد هفتاد (۱۰۰) روشن است که جنبه ملی ۱۳۵۱ زمان تصویب برنامه خود - برنامه ای که هنوز هم اعتبار خود را با بد حفظ کرد - بر آن بود ما ست که روابط ارباب رعیتی در روستای ایران باقی است و انقلاب موزونیک ملی باید زمین را برایگان بد هفتاد واکد آرد. (بطور گد اشاره کنیم که در این ماده معلوم نیست که زمین مالکان را باید تصادف کرد یا از مالکان خرید و در از آن پول پرداخت) .

البته در شماره ۶۰ باختر امروز نیز آن راه ۱۳۵۲ عوارضی است که این توجه را بر این انگیزد که جنبه ملی از موضوع قبلی خود عدول کرده است ولی بنظر ما عبارت مزبور نافی موضع گیری قبلی « جنبه ملی » نیست.

۲- در جزوهای تحت عنوان « ارگان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر منتشر در رستان ۲۱۳۵۲ متعلق به گروهی دیگر گنام و نشانی ندارد با آنجا که صحبت از مرحله انقلاب است که مینویسد: « در مرحله کوشی انقلاب با ایران نیز وظایف انقلاب را تصادمه جامعه معاصر و خلق با امرالیم (۱۰۰) و فئودالیسم تعیین مینماید. (تکیه از ما است - توقان) در اینجا از صحت و سقم تصادمه گد ریم ما مسلم اینست که فئودالیسم بنامه تصادمه در جامعه ایران وجود دارد که انقلاب باید بحل آن بپردازد.

۳- تحقیقات روستائی چهره های فدائی خلق بوضوح حاکی از آنست که در ایران هنوز بقایای قابل توجهی از تصادمات تولید نیمه فئودالی در روستای ایران برقرار است و ماد ر شماره ۳ بقیه در رصفحه ۳

مرگ بر رژیم و شایسته و تجاوز کار شاه!